

بنیاد ادبیه

ادبیتامعاصر

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری - سال اول، شماره دوم و سوم
بهار و تابستان ۱۳۹۵



بنیاد ادبیه
تاسیس ۱۳۹۲

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری ادبیات معاصر
سال اول، شماره دوم و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵
صاحب امتیاز: بنیاد ادبیه
مدیر مسئول: حسین حیدر بیگی
معاون مدیر مسئول: علی پیام

دبیر بخش فرهنگ: قنبر علی تابش
دبیر بخش شعر: غلامرضا ابراهیمی
دبیر بخش رویداد: حسینعلی کریمی
مدیر هنری: هادی مروج
مدیر اجرایی: رشید محمدی
ویراستار: علی پیام

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

تقی واحدی، حبیب صادقی، حسین فخری،
حمزه واعظی، دین محمد جاوید، روح الله روحانی،
زهرا حسین زاده، زهرا زاهدی، سلمانعلی ارزگانی،
سید ابوطالب مظفری، شوکتعلی محمدی شاری،
صادق دهقان، عقیف باختری، علی بابا اورنگ،
فاطمه روشن، محمد واعظی، محمدشرف سعیدی،
محمدیونس طغیان ساکایی، نادر احمدی.

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

بتول سیدحیدری، بصیر احمد حسین زاده، تهماسبی خراسانی،
حسن رضایی، حسن طباف نوروزی، حسن عالمی،
حیدری وجودی، روح الامین امینی، ریحانه بیانی، زهرا نوری،
سهراب سروش، سید اسحاق شجاعی، سید رضا محمدی،
سیدعلی موسوی، علی امیری، علی توانا، فاطمه مهدوی،
قاسم سام قاموس، کاوه جبران، محمد هدایت، محمد جاوید جاوید،
محمد جواد خاوری، معصومه حلیمی، یعقوب یسنا، یوسف احمدی.



مراکز پخش

افغانستان - کابل: دفتر مرکزی، کارته سه، سرک سه، خانه شماره ۱۸۷،
شماره های تماس: ۰۰۹۳۷۸۸۳۱۱۵۲۴ - ۰۰۹۳۷۴۴۲۰۸۳۹۲
E-mail: adabyat2016@gmail.com
مزار شریف: تقی واحدی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۵۳۹۳۶۶
هرات: عبدالواحد رفیعی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۴۰۹۹۳۲
دایکندی: عبدالهادی رحیمی زاده، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۷۵۵۷۷۸۲۹
پامیان: محمدامین ابتهاج حجتی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۷۶۷۰۱۳۳۴
غزنی: حکمت الله نظری، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۴۴۵۶۰۷۷۲
تاجیکستان - پروفیسور روشن رحمان، شماره تماس: ۰۰۹۹۲۹۱۹۸۹۰۲۰۸

ایران - مشهد: سید ابوطالب مظفری، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۶۴۶۵۸۱۷۷

قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، محمدعلی جويا، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۱۰۲۰۴۸۰۰۷

تهران: صادق دهقان، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۶۷۰۳۰۹۷

استرالیا - آدلاید: نادر احمدی، شماره تماس: ۰۰۶۱۴۳۲۱۴۰۲۷۷

اروپا - اروپای شرقی - ناروی: حمزه واعظی، شماره تماس: ۰۰۴۷۹۶۸۵۷۳۳۱

اروپای مرکزی - انگلستان: ابراهیم افتخاری، شماره تماس: ۰۰۴۴۷۵۸۷۶۹۱۴۵۵

مجله در ویرایش و کوتاه کردن مطالب دست باز دارد.
مسئولیت محتوای مطالب به دوش نویسنده است.
اخذ مطالب از این فصلنامه با ذکر منبع بلامانع است.
مطالب ارسالی بازپس فرستاده نمی شود.
بهار: ۲۵۰ افغانی

سرمقاله: همه طوطیان هند / مدیر مسئول / ۳
کارنامه: چون کشتی شکسته‌ای بی لنگریم ما / ۵
خوشنویسی هنر دیرباب / ۶

فرهنگ

زبان و تفکر / علی امیری / ۸

زبان پارسی سازه هویت ملی افغانستان / شوکتعلی محمدی شاری / ۱۶
نمایه‌هایی از ناهمگونی اصطلاحی و املائی در زبان فارسی / حسین نائل / ۲۶
همسانیهایی متن تاریخ بیهقی بالهجه امروز مردم غزنی / قنبرعلی تابش / ۳۰
هبوط اسطوره‌ها / بصیر احمد حسین زاده / ۳۸
بررسی تطبیقی ادبیات اداری و منشیانه دوره سلاطین غزنی و افغانستان کنونی /
علی پیام / ۴۴
تاریخ و وضعیت زبان فارسی در شبه قاره (میزگرد) / ۵۴

ادبیات و هنر

از چشم اندازهای ممکن به سوی ادبیات و از چشم اندازهای ممکن ادبیات به سوی
جهان / یعقوب یسنا / ۷۴
نگاهی به تاریخ سینمای افغانستان / سیدعلی موسوی / ۸۴
شهر ضحاک / محمد جواد خاوری / ۹۴
چراغ‌گریه از داربست نیلی / زهرا حسین زاده / ۱۰۴
ترکیب آسیب سبب در شاهنامه / داکتر محمدیونس طغیان ساکایی / ۱۰۸
رویکرد اخلاقی رسانه با نگاهی به اخلاق فردی و ارزشهای فرهنگی افغانستان /
یوسف احمدی / ۱۱۱

ویژه نامه شعر پسا مقاومت / ۱۲۵

رودخانه‌ها و ماهیها / حسین حیدریگی / ۱۲۷
گذر از باغهای پرتقال / حسین ارزگانی / ۱۳۷
گزارشی از وضعیت غزل دهه هشتاد کابل / کاوه جبران / ۱۴۶
سالهای شور و هیجان / تهماسبی خراسانی / ۱۴۸
لبخند از سیاهی / روح الامین امینی / ۱۵۴
پایتخت جدید شعر / سیدرضا محمدی / ۱۶۰
تبار خونی گلها / غلامرضا ابراهیمی / ۱۶۴
نمایه شاعران پسا مقاومت / محمد جاوید جاوید / ۱۶۹
خودکشی به مثابه یک امر عام / حسن عالمی / ۱۷۴
تکیه دادن به رطوبت سپیدارهای باغون آباد / حسن طباف نوروزی / ۱۷۸
هبوط در جان کلمات / فاطمه روشن / ۱۸۲
روایت غربت انسان در مجموعه شعر به چشمهای تو سوگند / روح‌الله روحانی / ۱۸۷
سواد کاری در غزل / شریف سعیدی / ۱۹۰

شعر پسا مقاومت افغانستان، با نگاه ویژه به حوزه مشهد / میزگرد / ۱۹۲

نمونه شعر پسا مقاومت: زهرا حسین زاده، الیاس علوی، شهیر داریوش، مژگان
فرامنش، محمد واعظی، فاطمه سجادی، حسین حیدریگی، فاطمه روشن، عباس
رضایی، صدا سلطانی، رامین عرب‌نژاد، نجیب بارور، معصومه صابری، عاصف
حسینی، تهماسبی خراسانی، زهرا زاهدی، روح الامین امینی، کاوه جبران، تقیب آروین،

حسن ابراهیمی، فریا حیدری، غلامرضا ابراهیمی، اشرف آذر، نذیراحمد
بهزاد، معصومه احمدی، عنایت روشن، زبیر هجران، حکیم علیپور، وحید
بکتاش، باران سجادی، امان پویامک، کریمه شبرنگ، روح‌الله بهرامیان،
مجیب مهرداد، مهتاب ساحل، ذکیه نوروزی، مینا نصر، فرهاد فرهمند،
عنایت شهیر، مصطفی هزاره، امیر مروج، حکمت نظری، حسن آذرمهر،
یاسین نگاه

شعر معاصر ایران: ادیس بختیاری، جواد سنجری، صبا کاظمیان، ناصر
حامدی، وحید طلعت، رسول یونان، محسن یاری / ۲۳۶

شعر معاصر تاجیکستان: دل آرام، اعظم خجسته، اسفندیار نظر / ۲۴۴

شعر ترجمه: دروتی پورتر / برگردان نادر احمدی / ۲۴۷

دنیای روانشناسی در دنیای سلطانزاده / بتول سیدحیدری / ۲۴۹

جامعه‌شناسی رمان سیاسی بانگاهی به سه رمان سیاسی افغانستان / محمد
هدایت / ۲۵۹

سه گانه‌ها و سه زن، سقوط مردانگی از نردبان تعالی / قاسم سام قاموس
/ ۲۶۹

یادداشتی بر کتاب ادبیات فولکلوریک هزارگی / دین محمد جاوید / ۲۷۴

از زبان دیگران / هادی مروج / ۲۷۹

داستان: گونه‌های خراشیده خشخاش / سهراب سروش / ۲۸۵

خونسرد باش / ریحانه بیانی / ۲۹۴

دو چشم بادامی / حسن رضایی / ۲۹۷

صدای لباس مادر / زهرا نوری / ۲۹۹

سه کلید / ترجمه معصومه حلیمی / ۳۰۱

رویداد

یادکرد: یاد از بارش / داکتر محمدیونس طغیان ساکایی / ۳۰۴

یاران چه غریبانه / سید اسحاق شجاعی / ۳۰۶

شنیدم از اینجا سفر می کنی / بصیر احمد حسین زاده / ۳۱۰

گزارش: گزارش رونمایی ادبیات معاصر / ۳۱۳

گزارش سمپوزیوم بین‌المللی امیر علیشیر نوایی / حسینعلی کریمی / ۳۱۹

گزارش هشتمین جشنواره ادبی قند پارسی / ۳۲۱

گزارش رونمایی بازگشت هابیل / ۳۲۲

گزارش رونمایی کتاب کودک / فاطمه مهدوی / ۳۲۳

جشن طبیعت / علی توانا / ۳۲۴

کتابخانه / ۳۲۷



همه طوطیان هند

پرده اول

چند سال پیش، کابل، گوشی ام زنگ می خورد. برمی دارم. یکی از دوستان است. می گوید: فلان ارگان دولتی فرم استخدامی برای نظارت در فلان کاری توزیع می کند، ما هم برویم. می گویم: تو که بیشتر از من در کابل هستی و روح رفتاری اهالی این مملکت را می دانی. فکر نمی کنی این کارها دانه ای است برای عده ای که دیگران به خرمنش برسند؟ لابد و لاعلاج که در این پیکره باید شاهرگها را دریافت و من و تو هم اگر به جمع فریب خوردگان تاریخ ببینیم چه سود؟ می گوید: شانس خودمان را می آزمایشیم، در این کشور با همین آرزوهای نا رسیدنی زنده ایم. به دلم می گویم: راستی اینگونه خوش بینیها هم بد نیست، شاید یکی از راههای نجات ما باشد در این بحران بدبینیها. راهی می شوم و سر قرار. با رفیقم یکجا شده راه می افتیم به سمت مکان موعود. از بازرسیها رد می شویم و فرم می گیریم.

اما همینکه فرم را گرفته مطالعه می کنم انگار به دنیای زبانی دیگر پرت می شوم. همه چیز در هم و برهم اند. اصطلاحات پیچیده و نا به جا و در «غیر ماوضع له»؛ به قول عربها و ترکیبات نامأنوس و جمله های ناموزون. برای سیاه کردنش بارها از دوست پهلودستی ام کمک می گیرم و شاید او هم به دلش می خندد. من به دلم می گویم: نه شاید این تقصیر من نیست که نمی فهمم. من که تا چشمانم را در گهواره باز کرده ام و طنین لالایی مادرم به زبان پارسی به گوشم نشسته است و این همه سال، تجربه بینامتنی، بین این همه کلمات و واژگان، همبطور متونی که در گذشته این سرزمین خلق شده اند،

این قد و قواره را ندارند. حتماً مشکل در یکجایی هست که باید آن زخم را دریافت و به درمانش شتافت. با مأمور فرم هم می گویم: باید فکری به حالش کرد، این وضعیت تی پایی به شکوه گذشته ای این زبان است؛ میراث شکوه مند تمدن دیروز ما، این ورقها پر از غلطهای املائی و ترکیبات نامأنوس و جمله های ناموزون است. او هیچ چیز نمی گوید و نیکتایی اش را برابر می کند.

بیرون می شویم. در راه برگشت اطرافم بیشتر مرا به سمت خودشان می کشانند: تابلوهای دکانها و کارگاهها، غذاخوریهای رسمی و غیر رسمی، همه خرد و ریز نوشته هایی که در چهره این شهر قد برافراشته اند: مغشوش، ناهمگون و نامتجانس. همه چیز عجیب می نماید. انگلیسیهایی به فارسی، تابلوهایی به اردو که نمی دانم در این شهر چه کار می کنند؟ پشتو، فارسی، اردو، انگلیسی همه با هم. هویتی که نیست، هویتی که از دست رفته است. هویتی که معلوم نیست کی به این شهر برمی گردد. نه شاید در راه فرار تیر خورده باشد، شاید در راه برگشت. شاید حالا همه خونهایش ریخته باشد، روی ماسه های گرم، ماسه های سرد، برف ... همه چیز دور سرم می چرخد؛ هیچ درهیچ، پیچ درپیچ. یادم می آید از اولین سالی که در کابل آمده بودم و این شهر چه اندازه بی هویت می نمود و می دیدم که سلطه عظیم زبانی کمر شهر را خم کرده است؛ به شکلی که واژگانی مثل «دلشیز فست فود»، «چیکن کارین سوپ»، «ورکشاپ»، ... چگونه جامه زبان ما را به تن کرده و بر سر دکانهای شهر تکیه داده اند و به گذشته تاریخی و زبانی ما می خندند. یادم آمده بود از بحث زبانی که بین فرهنگیان ما بود و بعضیها استدلال می کردند که واژگان بیگانه ای که به زبان



فارسی وارد شده‌اند حالا جزء هویت زبان فارسی دری قلمداد می‌شود و من با خود فکر کرده بودم که این دیگر چه هویت زبانی است؟

به راستی ما امروزه به کدام سو در حرکتیم؟ چه چیزی ما را آنگونه به خود مشغول کرده است که عقبه شکوهمند تاریخی خودمان را نیز از یاد برده‌ایم؟ این درست است که در طول تاریخ این سرزمین همواره حرکت‌هایی بوده‌اند که قند پارسی را تبدیل به زهر هلاهل کرده تا به این ملت بخوراند؛ چنانکه در چرخش‌های تاریخی، خورده‌ایم این زهر را؛ اما واقعیت این است که قدرت هر زبانی بستگی به خلق متونی دارد که در جغرافیای زیستی آن قد می‌کشند و خلق می‌شوند.

این متون است که زبان را گسترش داده و فربه می‌سازد و از جنگ تندباد فراموشی می‌رهاند. ما از این حیث قله‌های فتح ناشدنی را پشت سر داریم. متونی که در طول زمانها پایه‌های زبانی و فکری ما را شکل داده‌اند و بالندگی واژگانی، ساختاری و محتوایی را برای نسل‌های بعد به ارمغان گذاشته‌اند، متونی که در خراسان بزرگ، غزنه و بلخ خلق شده‌اند، متونی که حالا جهان را تسخیر کرده‌اند و این حکایت از قدرت همین زبان دارد و اندیشه‌ای که در این قالب پراکنده شده است؛ به اندازه‌ای که امروزه بسیاری از داستان نویسان غربی مثل پائولو کوئیلو و... درونمایه داستانهایش را از این زبان و اندیشه می‌گیرند. بالاخره اینکه ما چگونه وارثانی هستیم؟ مگر نه این است که خودمان ریشه این زبان را کم‌کم به آتش نزدیک می‌کنیم و با تقسیم‌بندی‌هایی به دری و فارسی تکه‌تکه‌اش می‌سازیم و مرزهایی را می‌کشانیم که اصلاً وجود ندارد. سؤال آخر اینکه اگر امروزه مولانا، فردوسی، سنایی غزنوی، ابوالفضل بیهقی و... زنده شده به شهر و دیار ما بیایند و اوضاع زبانی ما را ببینند، پیش از آنکه انتحاری آنها را از بین ببرند، خودکشی نخواهند کرد؟

پرده دوم

شعر جنگ و یا شعر مقاومت همان شعری است که در دوران مقاومت مردم افغانستان علیه اشغالگری ارتش سرخ به وجود آمد و جریانی را شکل داد. این جریان همانطوری که صورت محتوایی جهاد را تغذیه می‌کرد، جان تازه‌ای بود به پیکر فرتوت جریان نیم‌نفس ادبی ما. جریان شعری ما در همین دوره است که به راستی واقعیت شعر نو را درمی‌یابد و پایه‌پای جریانه‌های ادبی حوزه‌های دیگر گام برمی‌دارد؛ اما جریان شعر مقاومت را از لحاظ تاریخی می‌توان در اوایل دهه هفتاد و با پیروزی مجاهدین در افغانستان پایان یافته تلقی کرد.

اگرچند از لحاظ ماهیت و رویکرد کلی محتوایی و زبانی، نمی‌توان این جریان را دقیقاً با حوادث بیرونی برش داد و به

کناری نهاد. جریان ادبی معمولاً فرایندی شبیه شکل‌گیری اسطوره را طی می‌کند؛ مدت‌ها زمان باید بگذرد که کم‌کم شکل بگیرد و مدت‌ها زمان باید که کم‌کم جایش را به نشانه‌ها و جریان دیگری واگذارد؛ دلیلش این می‌تواند باشد که ذهنیت، خصلت‌های پذیرفته شده، رویکردهای نگرشی یک نسل و ساختار زبانی جریان ادبی، نمی‌تواند یک‌روزه و با چرخش گل آفتابگردانی جایش را به فضاهای تازه‌ای بدهد.

اما بعد از گذشت دو دهه بعد از آخرین شعر مقاومت افغانستان، شعری دگرگونه‌ای در بستر ادبی ما شکل گرفته است؛ شعری که قبابی دگرگونه‌ای در آغوش دارد و فضاهای جدید محتوایی و ساختاری را دنبال می‌کند. این جریان شعری را می‌توان «جریان پسامقاومت» گفت.

در شکل‌گیری شعر پسامقاومت نیز نسل شاعران مقاومت نقش اساسی دارند، چون اولین گروهی که دگرگونی را بعد از شعر مقاومت تجربه می‌کنند، جوان‌های نسل مقاومت هستند و بعد نسلی جوانی که محصول نشست‌های ادبی همین نسل اول است که کم‌کم سر برمی‌کشند.

از یک سو می‌توان گفت شعر پسامقاومت شعر پیش‌رونده است، فضاهای جدید، ساختارهای روایی و رویکرد زبانی نو را دنبال می‌کند و همانگونه که شاعران مقاومت درد و رنج مردم زمانه‌شان را می‌گفتند و شعرشان شعر زمانه‌شان بود، جریان پسامقاومت نیز تا حدودی همین خصوصیت را دنبال می‌کند. به گفته مولانای بلخی:

صوفی این الوقت باشد ای رفیق
نیست فردا گفتن از شرط طریق

با این همه شعر پسامقاومت را می‌توان از جنبه‌های مختلفی به بحث و بررسی گرفت و سؤال‌هایی را نیز پا به پای این جریان مطرح کرد؛ شعری که هم درد زمانه‌اش را دارد و هم ندارد. شعری که گاه در بسیاری از فجایع تاریخی و نسل‌کشی در افغانستان به شکل سؤال برانگیزی سکوت اختیار کرده است، شعری که نمی‌توان گفت کاملاً هویت سالهای تلخ پسا جهاد را به دوش می‌کشد، شعری که از زبان نسلی شکل می‌گیرد (نسل جوان) که کمتر گفتمان‌های اجتماعی خودشان را دنبال می‌کنند و بالاخره شعری که در انزوا خزیده، کمی بی‌هویت به نظر می‌آید و به دور از توده و خواننده عام گام برمی‌دارد و گاه لباسهای غیر وطنی به تن می‌کند.